

# هنرپیشه‌ها

مدیری بسیار با انگیزه و فعال با دفتر مجله هماهنگ کرد و ما دعوت شدیم به شنیدن صحبت‌های بچه‌های هنرستان شهید مهدی هندویان، در ناحیه چهار شهر قم. دختران رشته‌های هنری با چنان انگیزه و شعفی از رشته‌هایشان تعریف کردند که دلم خواست زمان به عقب برگردد و من تحصیل در هنرستان را تجربه کنم.

## زینب ابوالقاسمی / پایه یازدهم، رشته انیمیشن

در متوسطه اول، وقتی معلم هنر تکلیف نقاشی می‌داد، من همیشه خودم و بدون تقلید، نقاشی می‌کشیدم. معلم متوجه علاقه‌ام شد و تشویق کرد. معدل ۱۹،۷۶ بود. راستش، هم رشته‌های نظری را دوست داشتم و هم هنرستان را. دو دل بودم. پیش چند مشاور رفتم و خودم مدام پرس‌وجو می‌کردم. بالاخره هنرستان را انتخاب کردم. آمدم اینجا برای ثبت‌نام و باز بین دو رشته دودل شدم: انیمیشن و فتوگرافیک. این دو خیلی به هم شبیه‌اند. رشته ما ترکیبی است از گرافیک و تولید برنامه. در نهایت انیمیشن را انتخاب کردم.

اولش چون هدفم تسلط به مباحث فتوگرافیک بود، هنوز دودل بودم، اما الان فهمیده‌ام به هدف‌هایم می‌رسم؛ یعنی به تصویرسازی، نقاشی و کارهای هنری. حتی فکر می‌کنم به بالاتر از آن‌ها هم می‌رسم. مثلاً الان هدفم این است که کارگردان انیمیشن خیلی موفق شوم و کارهای در سطح جشنواره‌های جهانی بسازم. خانواده‌ام اتفاقاً هنرستان را دوست داشتند. الان دوستانی دارم که می‌گویند کاش ما هم می‌آمدیم هنرستان. وحشتناک راضی‌ام که آمدم هنرستان و اگر به گذشته برگردم، باز هم همین رشته را انتخاب می‌کنم.

البته کرونا خیلی دستان را بست، ولی وقتی قلم را دستم می‌گیرم، احساس خیلی خوبی به من دست می‌دهد.

من هم از دید مردم گلایه دارم. انتظار داشتند چون معدل بالاست بروم دبیرستان یا علوم انسانی بخوانم! خلاصه رشته ما جدید است و مدرسه‌های کمی آن را دارند. کتاب‌ها هنوز جا نیفتاده‌اند و بعضی



درس‌ها خیلی مشکل هستند. بعضی‌ها حتی در سطح دانشگاه هستند. البته هنوز کتاب‌ها کامل نیستند و همه مباحث را توضیح نمی‌دهند. ما برای ورود به دانشگاه و دادن کنکور هنر باید درس‌های اضافه‌تری هم بخوانیم. الان یکی از نگرانی‌های اصلی من قبولی در دانشگاه است، چون دوست دارم بیشتر یاد بگیرم و مدرک معتبری برای کار داشته باشم.

در دانشگاه می‌توان گروه‌های انیمیشن راه‌اندازی کرد و پیش رفت. البته که بدون دانشگاه هم می‌توانم کار کنم. من در تابستان کار با نرم‌افزارهای متنوعی را تمرین کردم.

کلاس‌های بیرون را هم دنبال می‌کنم. خوب است کار با نرم‌افزارها هم به ما آموزش داده شود.

## با تشکر از:

مسعود حمیدی (رئیس اداره آموزش فنی و حرفه‌ای، و کار دانش استان قم); زهرا هدیه‌لو (مدیر هنرستان هندویان); زینب حسینی، معاون هنرستان.

آدمم، ولی بعد به درس‌های دیگر رشته‌مان هم علاقه‌مند شدم. الان هم کلی چیز یاد گرفته‌ام و انتظار دارم مرا به چشم دانش‌آموزی نیندند که نا آشنا هستم و کاری بلد نیستم. من کلاس‌های بیرون هم می‌روم، چون پارسال نگران حذف رشته بودیم و گاهی معلم‌ها نمی‌توانستند درس‌ها را جدی بگیرند. الان آن قدر به رشته‌ام مطمئنم که اگر رشته‌ام حذف هم شود، در بیرون از مدرسه آن را دنبال می‌کنم. رشته ما با ورود ما اولین سال است که در هنرستان گنجانده شده و در کل استان قم فقط ۱۶ نفر، که بچه‌های کلاس ما باشند، در این رشته درس می‌خوانند. فقط در قم و تهران و اصفهان این رشته را داریم. هنرستان که هست، اولین سال‌ها که هست، شهرستان هم که هست، همه این‌ها باعث می‌شود اصلاً از این رشته حمایت نشود. هر چند وقت یک‌بار خبری می‌شنویم که ممکن است رشته‌تان با رشته دیگری ادغام شود، ممکن است حذف شود، ممکن است... ما همه‌اش نگران این قضیه هستیم و همین روی درس خواندن ما تأثیر منفی گذاشته است. درس‌هایمان را جدی نمی‌گیرند.

سال گذشته چیز زیادی یاد نگرفتیم. گاهی دلم می‌خواهد بروم تهران، شاید در مدرسه‌های آنجا جدی‌تر به رشته ما پرداخته می‌شود! ما فقط یک نرم‌افزار صدابرداری را شناختیم. اصلاً نرم‌افزارها را نمی‌شناسیم. هیچ‌جا آن‌ها را به ما معرفی نمی‌کنند.

### زینب عیسی زاده / پایه یازدهم، رشته فتوگرافیک

معدل ۱۹٫۹۵ بود. بچه درس خوانی بودم و خانواده‌ام موافق هنرستان نبودند و رفتم رشته ریاضی فیزیک. ریاضی‌ام خیلی خوب است. اما دلم پیش هنرستان بود. حتی رفتم آزمون تربیت‌بدنی دادم و قبول هم شدم. اما گفتند از دانشگاه برو تربیت‌بدنی، نه الان! چند مانع برای هنرستان آمدن داشتیم. یکی اینکه پدرم به رشته‌های نظری مایل بود؛ البته مجبورم نکرد. دیگر اینکه هزینه رشته گرافیک بالاست. دوربین از لوازم ضروری رشته ماست، ولی قیمت آن بالاست.

خلاصه اینکه چون به رشته ریاضی علاقه نداشتم، آدمم هنرستان می‌توانم بگویم بهترین انتخاب زندگی‌ام این بوده که آمده‌ام هنرستان. البته پدرم خطا است و مادرم نگرانی کار می‌کند. با فضای هنر بیگانه نبودم. رشته ما هم چندان ناشناخته نیست. از هر هنری در رشته ما درسی وجود دارد. رشته‌های سخت است و پرهزینه.



### ریحانه بهشتی / پایه یازدهم، رشته تولید برنامه تلویزیونی

چون فکر می‌کنم در هنرستان خیلی بیشتر می‌توانم پیشرفت کنم، آدمم هنرستان؛ با معدل بالای ۱۸. رشته‌های هنری طوری است که بیشتر مردم فکر می‌کنند فقط بچه‌تنبل‌ها می‌روند هنرستان. یکی از دوستان خود من که تجربی می‌خواند، می‌پرسید شما چطور کنکور می‌دهید؟ دو تا چشم چشم دو ابرو می‌کشید و تمام؟! من در مورد رشته‌ام حرف دارم. رشته ما در کل به همه کارهای برنامه‌های تلویزیونی مربوط است؛ از کارگردانی، تدوین، تهیه‌کنندگی تا موزیک، گریم، و تصویر و صدابرداری. من به فتوگرافیک خیلی علاقه داشتم، ولی به دلیل شرایط سخت تهیه دوربین و وسایل جانبی آن، مدیران این رشته را پیشنهاد داد. اول به خاطر عکاسی و فیلم‌برداری



را رایگان به آن‌ها بدهیم. این ما را اذیت می‌کند. مگر شما وقتی مغازه می‌روید و جنسی رامی‌خواهید، رایگان می‌برید! خب، بابت کار هنری هم زحمت و هنر صرف شده است! مادر من نگارگری می‌کند. گاهی به او می‌گویند این کار که چاپی‌اش موجود است، چرا این همه خودت را اذیت می‌کنی؟ ایسن برخوردها ارزش هنر را پایین می‌آورد. تعجب می‌کنم در کشور ما که هنر قدمتی دارد، چرا مردم گاهی چنین رفتاری می‌کنند!

### مبینا جلیل زاده / پایه یازدهم، رشته معماری داخلی

معدل من بالای ۱۸ بود. بابای من مخالف هنرستان بود و آخرش هم بعد از یک هفته قهر آمدم هنرستان. مادرم پدرم را راضی کرد، می‌خواستم گرافیک بخوانم. به طرح و نقاشی کشیدن علاقه داشتم؛ خیلی. ما به رشته‌های فتوگرافیک و گرافیک خیلی نزدیکیم. من از معماری هیچ چیز نمی‌دانستم. مشاور مدرسه‌مان مرا ترغیب کرد به این رشته. الان خیلی دوستش دارم و حاضر نیستم حتی رشته‌های شبیه آن را بخوانم. در هر رشته‌ای بحث هزینه مطرح است. ما چهار تا بچه‌ایم و بحث هزینه برایمان مهم است. البته الان هم هزینه‌هایمان کم نیست، ولی خیلی رشته‌ام را دوست دارم. گاهی تا صبح بیدار می‌مانم تا پروژه‌هایم را کار کنم. دلم می‌خواهد به آنانی که به ما گفتند نروید هنرستان، ثابت کنم که هنرستان خیلی هم خوب و کارآمد است.

مدیر ما و دبیرهایمان خیلی هوایمان را دارند. مدیرمان جلوی خودمان در مراسمی در مدرسه به شهردار گفت بچه‌های ما را به کار بگیری و کارها را به آن‌ها بسپارید. معلم‌های ما واقعاً فرشته‌اند و خیلی هم مهارت دارند. البته این شاید به خاطر جو هنرستان است که همه‌های هم را دارند. اینکه کارهایت را روی دیوارهای مدرسه نصب کنند و مدام تشویق کنند، حس خوبی به تو می‌دهد. البته کتاب‌ها کمی باید بهتر شوند. بعضی مباحث سنگین‌اند و بعضی مباحث باید گسترده‌تر شوند. توضیحات کتاب‌ها کافی نیست. در واقع حس می‌کنم دو تا کتاب برای معماری کم است. معلم‌های ما کتاب را کامل می‌کنند و هر چه رانمی‌فهمیم برایمان باز می‌کنند.

معماری مبحث کلی پلان و نقشه و این هاست، اما در معماری داخلی فقط در داخل خانه کار داریم. برای دخترها این رشته خیلی بهتر و جذاب‌تر است. هر خانه‌ای برای دکور بهتر و ایجاد تنوع و چیدمان صحیح، می‌تواند از معمار داخلی کمک بگیرد. هر چند وسع مالی مردم ما شاید به این‌ها نرسد! من می‌گویم اگر شده کار رایگان هم انجام دهیم، خوب است تا هم شناخته شوم و هم دستم راه بیفتد. دوست دارم بروم دانشگاه؛ هم به خاطر فضای دانشگاه و هم کسب مهارت بیشتر.



در جامعه ما متأسفانه دید خوبی به هنر وجود ندارد. دانش‌آموزان را هم چندان جدی نمی‌گیرند. الان در شهر ما برای زیباسازی شهر به راحتی می‌توان از هنرجویان و هنرآموزان کمک گرفت، اما متأسفانه چنین نمی‌شود و از راه‌های دور افرادی را برای این کار می‌آورند.

رشته من ترکیبی است از تصویرسازی و عکاسی. در کنار این‌ها مبانی هنر و طراحی هم می‌خوانیم. خیلی شبیه گرافیک است و فرقی از این است که فتوگرافی جدیدتر است. گرافیک دو واحد عکاسی دارد، ولی در رشته ما عکاسی یکی از درس‌های مهم است. ما علاوه بر اجراهای دستی، سیستمی هم زیاد کار می‌کنیم. کتاب‌هایمان هم تفاوت‌هایی دارند. ما تاریخ هنر چندان نمی‌خوانیم، اما هنرجویان گرافیک تاریخ هنر هم می‌خوانند. البته این به نظر من اشکال مهمی است؛ رشته ما جدید است و احتمالاً این مشکل در آینده رفع می‌شود، چرا که ما هم به دانستن تاریخ هنر نیاز داریم.

ما در پایه دهم طراحی و مبانی هنر را داشتیم که مادر همه رشته‌هاست. حتی هنرجویان رشته تولید برنامه لازم است مبانی هنر را بخوانند. چیدن صفحه و بستن کادر هم جزو مبانی هنر است. این هم یکی از نقص‌های رشته ماست که باید رفع شود.

رشته گرافیک واقعاً خیلی سخت است. باید وقت و انرژی زیادی برایش گذاشت. پشتکار می‌خواهد. ما برای هر تکلیف عملی باید کلی کار انجام بدهیم. با یک نگاه متوجه می‌شوند کارمان را خودمان انجام داده‌ایم، یا کپی کرده‌ایم. به خصوص دبیران ما خیلی خوب و استاداند. مدیر ما مثل مادر همراهمان بوده و در انتخاب هنرآموزانمان سخت می‌گیرد. خیلی‌ها وقتی می‌فهمند این رشته را انتخاب کرده‌ایم، اولین سؤالشان این است که می‌توانی ما را نقاشی کنی؟ ما در کار هنری خلاقیت به خرج می‌دهیم. اصلاً کار هنری کشیدن عین چیزی نیست! تصویرساز بر اساس روان‌شناسی و اصولی خاص، طراحی می‌کند. در حالی که تصور عامه این است که بچه‌ها هم می‌توانند این را بکشند. ما در قرن بیست و یک هستیم و باید درک هنری بالایی داشته باشیم.

گاهی وقتی از کار هنری ما خوششان می‌آید، می‌خواهند که کارمان

